

شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی

محمدعلی اخوت (قاضی سابق دیوان عالی کشور و وکیل پایه یک دادگستری)

(قسمت سی و نهم)

گفتار پنجم: حوادث ورزشی

به موجب ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۳.....- حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد. با توجه به این بند از ماده مرقوم، قانونگذار حوادث ناشی از عملیات ورزشی را جرم ندانسته است. از نظر عبارت، نمی‌توان جرم نبودن عمل را به حادثه نسبت داد؛ چه آنکه حادثه امری است که در عالم خارج واقع شده، انتساب جرم بودن یا نبودن به آن صحیح به نظر نمی‌رسد. بهتر بود قانونگذار «ارتکاب اعمال ورزشی منجر به حادثه» را در این بند ذکر می‌کرد.

با توجه به بند مزبور، موارد زیر قابل بررسی است:

۱ - حوادث: جمع کلی حادثه است و حادثه امری است که در عالم خارج به وقوع می‌پیوندد؛ مانند ایجاد صدمه بدنی، روحی، مالی یا مرگ، در نتیجه باید اتفاقی بیفتد، صدمه‌ای ایجاد شود یا مالی خسارت ببیند تا موجبی برای اعمال ماده به وجود آید و قبل از ایجاد صدمه یا خسارت هرچند از نظر پیشگیری بتوان کاری انجام داد، بند مزبور قابلیت استفاده پیدا نمی‌کند.

۲ - عملیات ورزشی: مقصود از عملیات ورزشی هر نوع کاری است که یا براساس مقررات مدون داخلی یا بین‌المللی، ورزش خاصی را به تعریف می‌کشد؛ مانند "فوتبال" و یا یک عرف محلی آن را ورزشی تلقی می‌کند مانند "کشتی با جوخه" که در بعضی از شهرستانهای شمال شرقی کشور رواج دارد. عملیات ورزشی به وسیله هر کس اعم از ورزشکار یا غیر آن انجام شود با احراز شرایطی که خواهد آمد، در صورت بروز حادثه، می‌تواند از علل موجهه جرم به شمار آید.

اصولاً هر نوع ورزشی می‌تواند خطرآفرین باشد؛ مانند ورزش فوتبال و بسکتبال، اما ورزش‌هایی که لازمه آنها درگیری رودرروی بازیکنان است همانند فوتبال و بوکس و کشتی خطرناک‌ترند. این کلام به این معنا نیست که ورزشهای دیگر خطرآفرین نیستند، ورزشهایی مانند شنا، وزنه‌برداری نیز می‌توانند حادثه‌آفرین باشند، برخی از ورزشهای فکری اصولاً خطر جسمی برای اشخاص ندارد مانند "شطرنج" هرچند در مورد آنها امکان ایجاد ناراحتی‌های عصبی یا روانی منتفی نیست.

۳ - شرایط احراز علت توجیه‌گر جرم در بند ۳ ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی دوامر است:

الف: سبب حادثه نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد.

ب: مقررات مزبور با موازین شرعی مخالف نباشد.

این دو امر در عرض یکدیگر هستند. به معنا که هر دوی آنها برای استفاده از علت موجهه ضروری است.

الف: مقررات ورزشی

مقررات ورزشی "مجموعه شرایطی است که توسط فدارسیونها، هیأتها، انجمنها و امثال آنها به صورت مدون، تنظیم گردیده یا مقرراتی است غیرمدون که حاکم بر ورزشهای بومی است بدون آنکه مورد تأیید سازمانهای دولتی قرار گرفته باشد، ولی عرفاً مورد قبول مردم باشد."^(۱)

مقرراتی که در قانون به آن اشاره شده است مربوط به ورزشکار، مربی، وسایل ورزشی و حتی عملکرد داور مسابقه ورزشی مربوط می‌شود. بنابراین:

اولاً: عمل ورزشکار، هر ورزش دارای قواعد و چگونگی رفتار مربوط به خود است که اجرای کامل آنها از بروز خطر جلوگیری می‌کند و عدم اجرای قواعد مربوط، خطاهای آن را تشکیل می‌دهد. به طوری که در هر ورزشی خطاهای مرتبط آن مشخص شده است.

ثانیاً: وسایل ورزشی، وسایلی که برای هر ورزشی به کار برده می‌شود باید دارای استانداردهای لازم باشد، در صورتی که آن استانداردها رعایت نشود و به سبب آن حادثه ایجاد شود مقصّر از جهت تسهیل در وقوع حادثه مسئول است. ثالثاً: وظیفه مربی آن است که مقررات ورزشی را به ورزشکار آموزش دهد و او را برای انجام عملیات ورزشی آماده‌سازد. بنابراین، مربی که بدون آموزش لازم و هشدارهای ضروری او را به میدان می‌فرستد یا وضع جسمی و روانی او را در نظر نمی‌گیرد، در صورت وقوع حادثه ممکن است مسئول شناخته شود.

رابعاً: داور نیز ممکن است در ارتباط با حادثه مسئول شناخته شود، مانند اینکه در ورزش کشتی، زمانی که احتمال بروز خطر هست با بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی ورزش را متوقف نسازد.^(۳)

در تمامی این موارد باید رابطه سببیت بین حادثه و قصور یا تقصیر عوامل ذی‌ربط احراز شود. بدیهی است دادگاه می‌تواند برای احراز جواز استفاده از علت موجهه به لحاظ رعایت مقررات ورزشی از نظر کارشناس و یا خبره استفاده کند.

ب: عدم مخالفت با موازین شرعی

شارع مقدس برای ورزش اهمیت خاصی قائل بوده، با توجه به نیاز جامعه اسلامی، ورزشهای خاصی مانند شنا، اسب‌سواری و تیراندازی را توصیه کرده است. از معصوم نقل شده است: «به فرزندان خود، شنا و تیراندازی بیاموزید» به طوری که در فقه مقررات خاصی در این موارد وضع شده است، برای مثال در مورد مسئولیت مربی: «اگر کسی به کودکی شنا بیاموزد و آن طفل اتفاقاً غرق شود، در صورتی که غرق شدن طفل مستند به فعل مربی باشد، مربی ضامن دیه است.»^(۳)

درباره ورزشهایی که نفس آنها موجب ایراد صدمه جدی بر جسم انسان است مانند ورزش مشت‌زنی، فقیهان آن را خالی از اشکال شرعی ندانسته‌اند.^(۴)

درباره کشتی‌گرفتن، روایتی از عامه مبنی بر اقدام به این ورزش به وسیله پیامبر اکرم (ص) نقل شده است.^(۵) بی‌مناسبت نیست در اینجا به یکی از قواعد مندرج در فقه امامیه اشاره شود و آن قاعده "تحدیر" است. مبنای آن، روایتی منقول از حضرت علی (ع) است: «کودکانی با شاخه‌های درختان بازی می‌کردند یکی از آنان با شاخه‌ای که در دست داشت به دندان دوستش زد که دندانش شکست، موضوع را نزد امام (علیه‌السلام) عرضه کردند، آنکه با چوب به دندان دوستش زده بود بنیه آورد که قبلاً هشدار داده است. حضرت قصاص را از او برداشتند و فرمودند: «قد اعذر من حدّر - آنکه هشدار دهد، معذور است.»

مرحوم خوئی در متن تکمله آورده‌اند «اگر تیرانداز به عابر هشدار دهد، با این حال عابر عبور کند و تیرانداز از عبور او بی‌خبر باشد، تیرانداز مسئولیتی ندارد.»^{(۶) (۷)}

ج - عنصر معنوی

از نظر بررسی عنصر معنوی (روانی)، سه حالت متصور است:

۱ - ورزشکار عمداً به قصد ایراد صدمه به دیگری آسیب می‌رساند، که عمل او عمدی است و مشمول مقررات مربوط به قتل، ضرب یا جرح عمدی می‌شود و مجازات عمومی را نیز علاوه بر دیه به همراه خواهد داشت.^(۸)

۲ - ورزشکار، برای هدف ورزشی و بردن مسابقه، به دیگری در جریان عملیات ورزشی ضربه می‌زند، اما نتیجه را (صدمه) نمی‌خواهد؛ هدف او بردن مسابقه است و اتفاقاً عملش منجر به آسیب می‌شود، عمل او شبه عمد است و در صورت بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی منجر به قتل، مستوجب مجازات مندرج در ماده (۶۱۶) قانون مجازات اسلامی خواهد بود و باید دیه قتل شبه عمد را در صورت مطالبه ولی دم بپردازد. ایراد صدمه‌ای که به قتل منجر شود تنها مستلزم پرداخت دیه است و مجازات عمومی ندارد.^(۱۰)

۳ - ورزشکار، در ایراد ضربه عمد ندارد، مانند این که به توپی ضربه می‌زند، توپ به سربازیکنی اصابت می‌کند و صدمه می‌بیند، در این مورد ورزشکار چه در فعل و چه در نتیجه خاطی است. در صورت عدم رعایت مقررات ورزشی عملش خطای محض است.

با توجه به موارد ذکر شده، در صورت اول اصولاً علت موجهه امکان استفاده ندارد؛ چه آنکه ضربه عمداً برای حصول نتیجه خاصی وارد شده است و در صورتهای دیگر با احراز شرایط و رعایت مقررات ورزشی می‌توان به دفاع علل موجهه توسل جست.

گفتار ششم - دفاع مشروع

یکی از غرایز هر موجود زنده، غریزه حفظ حیات است که او را وامی‌دارد در مقابل تهدیداتی که زندگی را به خطر می‌اندازد واکنش نشان دهد و همین غریزه است که دفاع در قبال پدیده‌های مخاطره آمیز را توجیه می‌کند. در مورد مبنای دفاع مشروع نظرات مختلفی ابراز شده است که می‌توان به نظرات حق طبیعی، نقض قرارداد اجتماعی، تعارض دو حق، جبران بدی با بدی اشاره کرد.^(۱۱)

از میان نظریات فوق دو نظریه را به طور مختصر بیان می‌کنیم.

نظریه اول: مبنای دفاع مشروع حق است؛ زیرا غریزه حفظ حیات نه تنها مخصوص انسان بلکه مربوط به هر موجود زنده است. در این نظریه به جنبهٔ درونی یا ذهنی^(۱۲) توجه شده است. نتیجه حاصل از این نظریه آن است که با توجه به حق شناختن دفاع، عمل مجرمانه فرد در مقام دفاع جرم است، ولی فاعل به دلایل صرف شخصی مجازات نمی‌شود.

نظریه دوم: این نظریه مبنای دفاع مشروع را وظیفه می‌داند. با توجه به نظریه فیلسوف مشهور فرانسوی "ژان ژاک روسو" انسانها براساس یک قرارداد مفروض، برای تشکیل جامعه و به دست آوردن امنیت، مقداری از حقوق خود را به قوای عمومی (دولت) واگذار کرده‌اند، این وظیفه دولت است که از حقوق شهروندان خود دفاع کرده، امنیت آنها را تضمین نماید، در صورتی که دولت ناتوان باشد یا نخواهد دفاع از آحاد مردم را به عهده بگیرد، اختیاری که به او داده شده به انسان برمی‌گردد. بنابراین او می‌تواند و باید از حق خویش (دفاع) بهره‌جوید.

نتیجه نظریه فوق آن است که ارتکاب جرم، در صورت دفاع مشروع، منتفی است، اصولاً جرمی واقع نشده و فرد به وظیفهٔ خود عمل کرده است.

جایگاه دفاع مشروع:

اغلب حقوقدانان، دفاع مشروع را از علل موجهه ارتکاب جرم به‌شمار آورده‌اند، در حالی که مرحوم "دکتر پیمانی" آن را جزء علل معافیت از مجازات دانسته‌اند. به نظر ایشان:

«چنانچه مبنای مشروعیت دفاع را فقدان اراده یا متزلزل بودن آن نزد دفاع‌کننده فرض کنیم و او را در اعمال مجرمانه‌ای که انجام می‌دهد آزاد و عاقد و قاصد ندانیم، طبیعتاً عمل مجرمانه فاقد عنصر معنوی جرم خواهد بود و به آن جرم اطلاق نمی‌شود.»^(۱۳)

این نظریه صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در این که شخص مدافع با اطلاع و آگاهی کامل به دفاع می‌پردازد شکی وجود ندارد. او با اراده آزاد به این عمل دست می‌یازد، او می‌تواند به جای دفاع، از واکنش فرار استفاده کند. چنانچه بعداً ذکر خواهد شد، عدم فرار از موقعیت تهاجمی، موقعیت دفاع را زایل نمی‌سازد. بنابراین، مدافع با آگاهی کامل اقدام می‌کند و رفع عنصر معنوی (روانی) منتفی است. به عبارت دیگر، نمی‌توان عمل دفاع را در زمره اموری چون جنون و مستی به‌شمار آورد.

در مقدمه این گفتارها بیان شد که علل موجهه، عنصر قانونی را حذف می‌کنند. به عقیده برخی اصولاً، علت وجود عنصری به‌عنوان «عنصر قانونی» در کنار عناصر مادی و معنوی (روانی) علت موجهه دفاع مشروع بوده‌است؛ زیرا مدافعی که در مقام دفاع مرتکب جرم شده است، عناصر مادی و روانی را پیموده‌است، به همین دلیل وجود عنصری تحت عنوان عنصر قانونی مورد توجیه قرار گرفته‌است.^(۱۴)

با توجه به مطالب گفته‌شده، در این گفتار، دفاع مشروع جزء علل موجهه جرم به‌شمار آمده و در چهارمبحث شرایط تجاوز، شرایط دفاع، موضوع دفاع و دفاع از دیگری بررسی می‌شود.

مبحث اول: شرایط تجاوز

بدیهی است مقدمه و زمینه‌سازی هر عمل دفاعی، تجاوز یا حمله‌ای است که جان، مال و ناموس فرد را مورد تهدید قرار می‌دهد، به طوری که بدون تجاوز یا حمله، دفاع متصور نیست. تجاوز دارای چهار خصیصه است:

۱ - فعلیت داشتن؛

۲ - غیرقانونی بودن؛

۳ - مخاطره‌آمیز بودن؛

۴ - عمدی بودن .

یکم: فعلیت داشتن؛ به‌موجب ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی، تجاوز باید فعلیت داشته یا خطر قریب‌الوقوع باشد. منظور از فعلیت داشتن تقارن زمانی بین حمله و دفاع است؛ مانند این که کسی با چوب یا چاقو به دیگری حمله برد؛ و منظور از خطر قریب‌الوقوع زمانی است که تجاوز به حد فعلیت نرسیده اما به نحوی است که هرگونه اقدام دیگری برای مدافع به جز دفاع، غیر ممکن است. به همین دلیل است که در بند «۳» ماده (۶۱) قانون مزبور، در بیان شرایط دفاع آمده‌است: «... توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد».

در رأی مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۲۷ م، دیوان کشور فرانسه بیان شده‌است: «فرض دفاع مشروع زمانی است که حمله مربوط به زمان حال باشد و تنها به همین دلیل است که دفاع ضرورت پیدا می‌کند.»^(۱۵)

دوم: غیرقانونی بودن؛ حمله یا تعرض باید برخلاف قانون باشد. به‌موجب ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی، مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود.

با توجه به این ماده، در صورتی که مدافع، آگاه از مأموریت مأمور باشد و با این حال در مقابل تعرض به دفاع برخیزد، چنین دفاعی مشروع محسوب نمی‌گردد. تمرد و مقاومت در برابر مأمورین نه تنها دفاع نیست بلکه خود جرم بوده و مستلزم مجازات است؛ زیرا به‌موجب ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی، هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح زیر

است اقدام مأمور به تعرض در حال انجام وظیفه مستلزم آگاهی شخص مورد تعرض از مأمور بودن متعرض است و این امر زمانی حاصل می‌شود که مأمور خود را معرفی کند یا اوضاع و احوال از چنین امری حکایت نماید؛ اگر مأموری بدون این که خود را معرفی کند و با لباس شخصی مبادرت به الزام مدافع به رفتن به محلی (دادگاه، یا حوزه انتظامی) نماید و در این حال شخص دستگیر شده دفاع نماید، در صورت ارتکاب جرم ضرب یا جرح مأمور، دفاع او مشروع است. با توجه به این که قانونگذار اصل را بر عدم محاسبه مقاومت در برابر مأمورین به عنوان دفاع قرارداده است، اثبات عدم آگاهی مدافع نسبت به مأمور بودن مهاجم با شخص مدافع است.

در حقوق فرانسه نیز همانند حقوق کشورما، اصل بر غیر قانونی بودن مقاومت در برابر مأمور است.^(۱۶)

با عنایت به موارد فوق، اگر مأمور از حدود انجام وظیفه خارج شود. مانند اینکه برای جلب شخص مبادرت به ضرب و شتم نموده و بدون توجیه وی را جلب نماید، مقاومت در برابر چنین مأموری دفاع محسوب می‌شود؛ زیرا او از حدود انجام وظیفه خارج شده است. به همین دلیل است که قسمت دوم ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی مقرر داشته:

«هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح تا تعرض به عرض و یا ناموس گردد در این صورت دفاع جایز است.»

سوم: مخاطره آمیز بودن؛ مدافع باید خود را در معرض خطر ببیند تا بتواند دفاع کند. قانونگذار ایران در ماده (۶۱) عبارت «خطر قریب الوقوع» را به کار برده است. همان گونه که گفته شد، ممکن است حمله فعلیت نداشته ولی خطر قریب الوقوع باشد؛ مانند این که کسی به سمت دیگری تیراندازی کند و در مدافع به طور معقول این احساس به وجود آید که تیراندازی ادامه خواهد داشت. به همین خاطر است که قانونگذار در بند «الف» ماده (۶۲۷) قانون مرقوم، یکی از شرایط دفاع را خوف برای مدافع بر شمرده و بیان داشته: «خوف برای نفس یا عرض یا ناموس باید مستند به قرائن معقول باشد.»

در نتیجه باید گفت، در تشخیص خطر، معیار «نوعی»^(۱۷) حاکم است و مدافع نمی‌تواند بدون اینکه عملش مستند به قرائن و دلایل معقول باشد به این دفاع که خیال می‌کرده خطر قریب الوقوع او را تهدید می‌کند متوسل شود. در آرای دیوان عالی کشور به لزوم وجود خطر در دفاع اشاره شده است. به موجب حکم شماره ۱۵۸۸/۲ مورخ ۲۸/۷/۲۵ شعبه دوم: «اگر کسی که مورد حمله واقع شده است، اسلحه یا آلت حمله کننده را بگیرد و با همان اسلحه او را بکشد این عمل دفاع قانونی محسوب نمی‌شود؛ چون پس از گرفتن اسلحه از طرف مقابل بیم خطر مرتفع می‌شود.» در حقوق فرانسه، دیوان کشور رأی داده است: «ضرورت مطلق، آشکار و غیرقابل آشکار لازم نیست، همین که شخص به طور معقول به این اعتماد برسد که در خطر است کافی برای دفاع است.»^(۱۸)

چهارم: عمدی بودن تعرض؛ دفاع در برابر جرم عمدی جایز است و ارتکاب جرایم غیر عمدی که عنصر قانونی آن خطاست نمی‌تواند توجیه گر عمل عمدی دفاع باشد. در واقع باید از حیث عنصر روانی بین حمله و دفاع هماهنگی وجود داشته باشد. اگر کسی با دیگری به غیر عمد تصادف کند، عمل متقابل که ضرورتاً عمدی است دفاع محسوب نمی‌شود.

مبحث دوم: شرایط دفاع

این مبحث را در دو بند "ضرورت دفاع" و "تناسب دفاع با خطر یا تجاوز" به پایان می‌بریم.

بند یکم: ضرورت دفاع

اولین شرط دفاع مشروع، ضروری بودن آن است. به این معنا که غیر از دفاع راه دیگری برای مقابله با عمل متجاوز وجود نداشته باشد. از جمله این که در صورت امکان توسل به قوای دولتی، دفاع جایز نیست. بند "ج" از ماده (۶۲۷) به این نکته اشاره دارد: «..... توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تر برای نجات میسر نباشد.» فرض کنیم در حوزه انتظامی، شخص (الف) به شخص (ب) حمله کند، در چنین موقعیتی مدافع می تواند از قوای انتظامی استمداد بخواهد، در صورت عدم استمداد و ارتکاب جرم، نمی تواند عمل مجرمانه را منتسب به دفاع مشروع سازد.»

ذکر عبارت "هرگونه وسیله آسانتر برای نجات" راجع به مقررات شرعی درباره دفاع است.

در متون فقهی این نکته با عبارت «الاسهل فالاسهل» آمده است. امام خمینی (ره) در "تحریرالوسیله" همانند سایر فقها متعرض این موضوع شده اند. ایشان مراتب دفاع را، تذکر به مهاجم، فریاد کشیدن، تهدید کردن، استفاده از دست و اندام، عصا یا شمشیر و بالاخره ایراد جرح و قتل عنوان نموده و با وجود وسیله آسانتر، ارتکاب جرم را به عنوان دفاع تجویز نموده اند. اما در صورتی که امکان رعایت مراتب فوق نباشد، دفاع به طور مطلق جایز شمرده شده است.^(۱۹)

سؤال اینجا است که آیا فرار می تواند به عنوان یکی از راههای مقابله با حمله یا تعرض باشد؟ به این معنا که آیا با وجود راه فرار، فرد می تواند با توسل به دفاع مشروع مرتکب جرم شود.

امام خمینی (ره) در "تحریر"، در مورد ارتکاب جرم قتل در صورتی که چاره ای جز فرار برای شخص نباشد احتیاط را در فرار دانسته اند، ولی اگر هجوم برای کشتن مدافع باشد یا هجوم به حریم او باشد، مقاتله را حتی در صورتی که مدافع بداند که مقاتله در دفع مهاجم مفید نیست واجب شمرده اند، و در مورد مال - دفاع از مال - از نظر ایشان مقاتله واجب نیست و ترک مقاتله نزدیک تر به احتیاط است.^(۲۰)

در حقوق فرانسه، با سکوت رویه قضایی در مورد فرار، نظر حقوقدانان این کشور این است که چنانچه مهاجم، مجنون یا طفل باشد یا کسی که احترام خاصی نسبت به او لازم است مانند پدر و مادر، فرار لازم است و در صورت امکان، مقابله جایز نیست.^(۲۱)

در حقوق ایران، قانون در زمینه فرار ساکت است. به موجب رأی شماره ۲۶۵۱ مورخ ۱۳۱۹/۸/۲۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور: «از ماده (۱۸۴) و مواد مربوط به معافیت از کیفر استفاده نمی شود که امکان فرار برای کسی که مورد حمله به نفس واقع شده موجب باشد که نتواند به اقدام عملی با شرط مرقوم در آن ماده از خود دفاع کند. بنابراین کسی که مورد حمله واقع می شود با امکان فرار مجبور به فرار نیست، بلکه با شرایط مندرج در ماده می تواند از خود دفاع کند.» با توجه به مواردی که گفته شد، چنین به نظر می رسد که امکان فرار نمی تواند زایل کننده حق دفاع باشد؛ زیرا چنانچه بعداً در همین گفتار خواهیم دید، قانونگذار دفاع از جان و مال دیگری را تحت شرایطی جایز دانسته است. در دفاع از دیگری اصولاً امکان فرار برای دفاع محمل منطقی ندارد؛ چه آنکه در صورت امکان فرار برای مدافع، دفاع از دیگری مفهوم خود را از دست خواهد داد. در نتیجه، در دفاع از شخص مدافع نیز فرار نمی تواند زایل کننده حق دفاع باشد.

بند دوم: تناسب دفاع با حمله یا تعرض

در متون فقهی، تجاوز از دفاع ضامن آور است. امام خمینی (ره) در "تحریر" پس از ذکر مراتب دفاع که قبلاً ذکر شد، بیان فرموده اند: «اگر مدافع برای دفاع از حد لازم تعدی نکند و بر مهاجم نقص بدنی یا مالی وارد آید یا منجر به قتل

مهاجم شود، خون مهاجم هدر است و برفاعل (مدافع) ضمانتی نیست؛ ولی اگر از آنچه برای دفع کافی است تعدی کند (دفاع غیر متناسب) احوط این است که او ضامن است.^(۲۲)

در حقوق فرانسه، قسمت اول ماده (۵) - (۱۲۲) قانون جزای آن کشور مقرر داشته: «کسی که در مقام دفاع از نفس خود یا دیگری در قبال اقدام غیرقانونی، در زمان تعرض، مرتکب دفاع ضروری شود به شرطی که دفاع متناسب با اهمیت تعرض باشد از نظر جزایی مسئول نیست.»

در حقوق فعلی ایران، بند یکم از ماده (۶۱) و ماده (۶۲۵) قانون مجازات اسلامی، متعرض این موضوع شده است. تشخیص تناسب با دادگاهی است که به موضوع رسیدگی می‌کند، اما سه نکته را باید توجه داشت.

اولاً: تناسب از جهت وسایل حمله و دفاع؛ بین دو وسیله به کار برده شده باید تناسب موجود باشد. برای مثال اگر کسی با مشت به دیگری حمله برد و مدافع از چاقو یا اسلحه آتشین استفاده کند، تناسب موجود نیست.

ثانیاً: تناسب از جهت قوای بدنی شخصی مهاجم و مدافع؛ آنچه در نکته اول گفته شد باید با در نظر گرفتن قوای بدنی دو طرف لحاظ گردد؛ چه آنکه ممکن است فرد ناتوان وضعیتی در قبال حمله و تهاجم فردی قوی، مجبور به استفاده از وسیله‌ای شود که با آن بتواند ضعف بدنی و جسمی خود را جبران نماید چنین دفاعی ممکن است موجه باشد، برای مثال فرد ضعیف، مجبور استفاده از چاقو یا اسلحه آتشین گردد. برعکس اگر مهاجم فردی ضعیف و ناتوان باشد، ایراد ضرب و جرح شدید به او نمی‌تواند دفاع محسوب گردد. یا این که حمله چند نفر با چوب و چماق به یک نفر او را مجاز می‌سازد که از وسیله یا سلاح گرم یا سرد استفاده نماید.

ثالثاً: بین نوع تهاجم و عمل دفاعی نوعی تناسب ضروری است؛ در نتیجه کسی نمی‌تواند در قبال فحاشی دیگری مبادرت به ضرب و جرح در مقام دفاع نماید. اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۱۹ مورخ ۷۸/۸/۱، احتمال آبروریزی با ضرب و جرح _ چه خفیف و چه شدید _ را مجوز دفاع مشروع شناخته است.

این نظریه از جهت ضرب و جرح قابل استناد است؛ زیرا در مقابل ایراد ضرب و برای جلوگیری از ادامه آن دفاع مشروع است ولی در مورد احتمال آبروریزی نمی‌توان به ضرب و جرح توسل جست.

البته همیشه، لازم نیست جرم انجام شده در مقام دفاع کم اهمیت‌تر از عمل تهاجمی باشد؛ زیرا سرعت و چگونگی حادثه ممکن است نتیجه عمل مدافع را شدیدتر از حمله انجام شده بسازد.

در حقوق فرانسه به موجب آرای دیوان کشور و دادگاهها، ارتکاب قتل به وسیله زنی که مورد تهدید به هتک ناموس قرار گرفته، تیراندازی به سوی گروه مهاجم پس از اخطار به آنها، یا به سوی دزدی که از دیوار خانه‌ای بالا می‌رفته، دفاع مشروع محسوب شده؛ در حالی که تیراندازی به کسی که سیلی به گوش مدافع زده است، تیراندازی به دو نفر مست که مزاحم مدافع شده‌اند، پرتاب خشونت‌آمیز مهاجم به نحوی که دچار شکستگی جمجمه شده‌است، شکستن دست طفلی که تهدید به پرتاب سنگ به دیگری کرده، حتی ایراد ضرب با بطری بر سر کسی که گلوی دیگری را گرفته بوده، دفاع مشروع شناخته نشده است.^(۲۳)

مبحث سوم - موضوع دفاع

سؤال این است که دفاع در قبال چه امر یا اموری مشروع شناخته شده است؟ با ملاحظه مواد (۶۱)، (۶۲۵)، تا (۶۲۹) قانون مجازات اسلامی، دفاع در پنج مورد مجاز است:

۱ - نفس؛ ۲ - عرض؛ ۳ - ناموس؛ ۴ - مال؛ ۵ - آزادی تن.

۱- دفاع از نفس، عرض و ناموس

دفاع از نفس، ناظر به حیات شخص به طور کلی است؛ در نتیجه، دفاع در برابر هر نوع هجوم یا تعرضی که حیات فرد را به مخاطره اندازد با رعایت سایر اوضاع و احوال و شرایطی که قبلاً گفته شد جایز است.

قانونگذار در دو ماده (۶۱) و (۶۲۵) به ترتیب "ارتکاب جرم"، "قتل" و "ضرب و جرح را در مقام دفاع از نفس مجاز شناخته. از سوی دیگر، به موجب ماده (۶۲۹) قتل عمدی به خاطر دفاع را متوقف بر قتل دانسته و مقرر داشته است: «در موارد زیر قتل عمدی به شرط آنکه دفاع متوقف بر قتل باشد مجازات نخواهد داشت:

الف: دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود و اقارب»
ملاحظه می‌شود در ماده (۶۱) ارتکاب جرم، در ماده (۶۲۵)، قتل و ضرب و جرح و در ماده (۶۲۹)، قتل عمدی مهاجم در مقام دفاع، مشروع شناخته شده است.

در بادی امر این مواد متناقض به نظر می‌رسد، لیکن با دقت در عبارات آنها چنین حاصل می‌شود که در ماده (۶۲۵) ارتکاب قتل ممکن است عمدی به معنای خاص کلمه نباشد. توضیح اینکه در ماده (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی، دو نوع قتل عمدی ذکر شده است:

الف - قتل عمدی به معنای خاص کلمه، یعنی قصد قتل و خواست نتیجه مندرج در بند "الف" ماده مرقوم.
ب - قتل در حکم عمدی به صورت انجام کار کشنده بدون خواست نتیجه مندرج در بندهای "ب" و "ج" همان ماده. مثال: در جریان درگیری بین مدافع و مهاجم، اتفاقاً بر اثر ضربه‌کشنده مدافع، مهاجم به قتل می‌رسد، که مشمول دفاع مندرج در ماده (۶۲۵) است؛ در حالی که در ماده (۶۲۹) مدافع با قصد قتل چون چاره دیگری ندارد مرتکب قتل عمد مهاجم می‌شود؛ مانند این که در مقام دفاع در برابر چند نفر که مسلح به سلاح آتشین هستند با قصد قتل و از بین برداشتن مهاجمان مجبور به تیراندازی می‌شود؛ در اینجا دفاع متوقف بر قتل عمد است و لاغیر.
دفاع از عرض و ناموس؛ قانونگذار در مواد مختلف از کلمات عرض و ناموس در کنار هم استفاده کرده است. عرض در لغت به معنای آبرو، ناموس، شرف؛ و ناموس به معنای عفت، عصمت، پاکدامنی آمده است.^(۲۴)
این دو کلمه را قانونگذار به طور مترادف آورده است و هر دو به معنای آن چیزی است که عرفاً ناموس خوانده می‌شود. بنابراین، صرف عملی که موجب آبروریزی شخصی شود نمی‌تواند علت موجه ارتکاب جرم برای دفاع به شمار آید؛ مثلاً اگر کسی برای همسر یا خواهر کسی مزاحمت ایجاد کند، او را مجاز به انجام ضرب و جرح و یا آزار نسبت به مزاحم نمی‌سازد.

در ماده (۶۲۹) قانون مجازات اسلامی، قتل عمد در صورتی که در قبال هتک ناموس به عنف باشد به عنوان دفاع مطرح شده است. رأی اصراری شماره ۴ - ۷۶/۲/۱۶ شعب کیفری دیوان عالی کشور، در ارتباط با دفاع در برابر تجاوز جنسی مستنداً به ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی، حکم قصاص مدافع را نقض کرده است. به موجب این رأی: «با توجه به اینکه متهم ضمن اقرار به قتل اظهار داشته مقتول نیمه نسب در گاراژ در بسته، قصد تجاوز به وی را داشته با در دست داشتن چاقو و تهدید با آن از خارج شدن او از گاراژ جلوگیری نموده و در جریان دفاع مرتکب قتل شده و محتویات پرونده نیز مؤید صحت مدافعات مشارالیه است و طبق ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ کسی که در مقام دفاع مرتکب جرمی شود قابل تعقیب و مجازات نیست و بر این اساس محکومیت به قصاص نفس برخلاف قانون می‌باشد. لذا اعتراض وارد است.....»

با توجه به این رأی، اوضاع و احوالی مانند «قصد تجاوز مهاجم، بسته بودن در گاراژ، تهدید با چاقو، جلوگیری از خروج مدافع از گاراژ، موجبات نقض رأی قصاص را فراهم کرده است.

موضوعی که در مورد دفاع از ناموس باقی می‌ماند، مربوط به ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، قتل زانی یا زانیه و هردو به وسیله شوهر، که قبلاً ماده (۱۷۹) قانون مجازات اسلامی به نحو دیگری متعرض آن شده بود، می‌باشد که تفسیر آن به‌طور مختصر در جریان بحث از قتل مهدورالدم بیان گردید.^(۲۵)

۲- دفاع از مال :

گفتیم که از دیدگاه فقه اسلامی دفاع از نفس با در نظر گرفتن جمیع شرایط و اوضاع و احوال، امر واجبی است. در مورد مال اگر قصد مهاجم تنها بردن مال باشد، دفاع واجب نیست. نظر امام خمینی (ره) در "تحریر" این است که: «تعرض برای بردن مال دفاع را واجب نمی‌سازد، بلکه احوط این است که مدافع تسلیم شود.»^(۲۶)

در حقوق فرانسه، فراز دوم ماده ۵-۱۲۲ مجموعه قوانین جزایی آن کشور^(۲۷) مقرر داشته: «کسی که در مقام دفاع برای قطع ارتکاب جنحه یا جنایت علیه مال، مرتکب فعلی غیر از قتل عمد می‌شود به شرط ضروری بودن و تناسب آن با اهمیت جرم ارتكابی، از نظر جزایی مسئول نیست»

با توجه به این ماده، اولاً: ارتکاب جرم خلافی علیه مال، دفاع را موجه نمی‌سازد.

ثانیاً: در ارتباط با قتل مهاجم، اغلب موارد قتل نه برای کشتن مهاجم بلکه بر اثر یک خطا صورت می‌پذیرد. صاحب مال تنها قصد جلوگیری از سارق را دارد، می‌خواهد او را متوقف کند، مرتکب قتل می‌شود با اینکه بر اثر یک نوع سوءنیت احتمالی مرتکب قتل می‌شود، او قصد قتل ندارد، ولی خطر ایجاد آن را می‌پذیرد، یا اینکه برای جلوگیری از سرقت موقعیتی مرگ‌آور را برای مهاجم ایجاد می‌کند. به هر حال در این‌گونه موارد به جز موارد نادر، مدافع نمی‌داند نتیجه واکنش او در قبال تعرض چه می‌تواند باشد، یک حالت ضرورت او را به ارتکاب قتل مهاجم در دفاع از مال وامی‌دارد.^(۲۸) در حقوق فعلی ایران به‌موجب مواد (۶۱) و (۶۲۶) قانون مجازات اسلامی، دفاع در مورد مال شخص مدافع جایز است. در صورت وقوع جرم، مدافع قابل تعقیب و مجازات نیست. اما با توجه به بند "ج" ماده (۶۲۹) قتل عمد_ همان‌گونه قبلاً گفته شد_ دفاع به این صورت جایز است که جز قتل مهاجم چاره‌ای برای مدافع نباشد. با توجه به مراتب فوق، قتل برای دفاع در برابر جرایمی نظیر تخریب مال، نمی‌تواند دفاع مشروع به شمار آید.

۳- دفاع برای آزادی تن

به‌موجب اصول سی و دوم و سی و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

این اصول بیانگر حق اقامت و آزادی در رفت و آمد است. تعرض غیرقانونی به صورت منع از چنین آزادی‌هایی پایه دفاع فرد در این‌گونه موارد را می‌سازد. اولین بار قانونگذار در سال ۱۳۵۲ به این موضوع توجه کرد؛ به نحوی که ماده (۴۳) قانون مزبور با اضافه کردن عبارت "آزادی تن خود یا دیگری" دفاع در برابر تهدید نسبت به آزادی تن، وارد مجموعه جزایی گردید. قانونگذار در سال ۱۳۷۰ نیز با بازنویسی ماده مرقوم، دفاع در مورد آزادی تن را مجاز شناخت. چنین دفاعی در برابر هر عملی که آزادی تردد را محدود یا سلب کند مانند "حبس غیر قانونی"، "بازداشت غیر قانونی" و "آدم ربایی" با در نظر گرفتن سایر شرایط و اوضاع و احوال مشروع به حساب می‌آید. با توجه به بند "ج" ماده (۶۲) قتل عمد تنها در صورت آدم‌ربایی جایز است. منظور از قتل عمد_ همان‌گونه که در

همین گفتار اشاره شد_ به صورت مندرج در بند " الف " ماده (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی، یعنی « قتل عمد به معنای خاص کلمه» می‌باشد. در نتیجه، قتل در حکم عمد (بندهای ب و ج) ماده (۲۰۶) در سایر موارد جرم علیه آزادی تن مانند حبس و توقیف و بازداشت غیرقانونی، دفاع محسوب می‌شود.

مبحث چهارم - دفاع از دیگری

انسان علاوه بر این که حق دفاع از خود در برابر هجوم و تعرض غیرقانونی را دارد، به لحاظ وظایفی که در برابر خانواده یا اجتماع دارد، مجاز است به دفاع از دیگران برخیزد؛ اما باید توجه داشت که ضرورت امر اخیر کمتر از دفاع از نفس یا ناموس فرد مدافع است.

امام خمینی (ره) در "تحریر"، دفاع از فرد، خواهر، برادر و سایر اقارب حتی خادم فرد را در برابر قتل، مجاز، بلکه واجب شمرده‌اند.^(۲۹)

در حقوق فرانسه به موجب ماده (۵-۱۲۲) دفاع از دیگری مجاز شناخته شده است. برای مثال: آرای دادگاه‌ها و دیوان کشور، دفاع از جنین را با این استدلال که جنین، « دیگری» محسوب نمی‌شود تا ارتکاب جرم به خاطر آن به عنوان دفاع شناخته شود، دفاع مشروع مندرج در ماده فوق شناخته است. مسئول پمپ بنزینی را که برای دفاع از کارمندش به سوی سارقی که او را به پشت خوابانده و تهدید می‌کرده است و به رغم اخطارهای مسئول پمپ بنزین به تهدید خود ادامه می‌داده، تیراندازی کرده، در مقام دفاع مشروع شناخته است؛ و نیز، زخمی کردن یکی از افراد مسلح که مغازه‌ای را محاصره کرده‌اند به وسیله نگهبان فروشگاه با استفاده از تفنگ ساچمه‌ای، دفاع مشروع محسوب شده است.^(۳۰)

قانونگذار ایران در مواد (۶۱، ۶۲۵ تا ۶۲۹) قانون مجازات اسلامی، دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن دیگری را جایز شمرده و از علل موجهه ارتکاب جرم به شمار آورده است. برای قابل قبول بودن چنین دفاعی، به موجب تبصره ماده (۶۱)، شخص مورد هجوم باید ناتوان از دفاع بوده، نیاز به کمک داشته باشد و در مورد دفاع از مال دیگری علاوه بر موارد فوق، مواردی که حفاظت از مال به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد کند مشروع به حساب آمده است.

با توجه تبصره ماده (۶۱) و تبصره ماده (۶۲۵) با وجود شرایط زیر دفاع از دیگری جایز و مشروع است.

- ۱- ناتوانی قربانی از دفاع و نیاز او به کمک؛ هردو این شرطها باید موجود باشد. منظور از نیاز به کمک، نیاز به کمک مدافع (دیگری) است. بنابراین اگر کسی ناتوان از دفاع باشد ولی نیازی به کمک نداشته باشد (برای مثال مأمورین ذی ربط در محل حاضر باشند) شرایط دفاع از دیگری فراهم نیست.
- ۲- شخص مورد تهاجم درباره دفاع از مال استمداد نماید. در دفاع از نفس و غیره همین که شخص ناتوان باشد موجبات دفاع فراهم می‌گردد. در مورد دفاع از مال باید استمداد به عمل آید.
- ۳- درباره دفاع از مال دیگری، نگهبان و کسی که وظیفه دار حفظ مال است، می‌تواند اقدام به دفاع از مال دیگری نماید.

پی نوشت‌ها:

- ۱- آقای نیما، دکتر حسینی، حقوق ورزشی، نشر میزان. ۱۳۸۰، تهران، ص ۳۳
- ۲- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: چامپیون جونیور، والتر، مبانی حقوقی ورزشها. ترجمه دکتر حسینی آقای نیما، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۷۴، ص ۸۱ و بعد.
- ۳- مرحوم آیه ا... خویی، مبانی تکملة المنهاج، جلد دوم، مسأله ۲۵۰، ص ۲۴۲، انتشارات نجف.

- ۴ - حقوق ورزشی، همان، ص ۴۲، به نقل از فتوای حضرت آیه الله مکارم شیرازی،
- ۵ - مرجع پیشین، ص ۱۲۸
- ۶ - مبانی تکملة المنهاج جلد دوم، مسئله ۲۳۸
- ۷ - برای اطلاع از تأثیر هشدار در مسئولیت حوادث ناشی از ورزش ر.ک، چامبیون، مرجع پیشین ص ۵۲.
- ۸- ر.ک: ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی.
- ۹- در صورتی که قتل عمد به وسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است با به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد.
- ۱۰- لازم به توضیح است که ایراد صدمه بدنی غیر عمدی قبلاً در ماده (۱۷۴) قانون مجازات عمدی مصوب ۱۳۰۴ مجازات اسلامی دانست.
- ۱۱ - برای آگاهی بیشتر ر.گ: دکتر پیمانی، ضیاءالدین، تفضیل قواعد دفاع مشروع، انتشارات دانشگاه ملی ۱۳۵۷ صفحات ۳۲ و بعد.
- ۱۲ - Subiectiue .
- ۱۳ - مرجع پیشین، ص ۴۰.
- ۱۴- میرسعیدی، دکتر سید منصور، مسئولیت کیفری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۱۶۶ به نقل از محمود مصطفی، قانون العقوبات - چاپ قاهره ۱۹۶۱.
- ۱۵_ Nauveu cade penal francais.p.۱۱۷.Ayt.۱۲۲.
- ۱۶_ Rassat Michele . Ibid.p.۶۰۰.
- ۱۷_ ObJectiue.
- ۱۸_ Nauheu Cade Penal francals.Art.۱۲۲-۵.
- ۱۹- امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد یکم، فصل دفاع، مسأله ششم.
- ۲۰- همان مسئله های یازدهم و دوازدهم.
- ۲۱_ Aassal.Ibid.p.۴۰۲.
- ۲۲- مرجع پیشین، فصل دفاع از نفس - مسائل ششم و هفتم.
- ۲۳_ Rassat. Ibid.P.۴۰۳.
- ۲۴- فرهنگ معین، ذیل واژه ها عرض و ناموس.
- ۲۵- ر.ک: مجله دادرسی، اشتباه در ارتکاب جرم، شماره چهارم، به قلم نگارنده..
- ۲۶- تحریر الوسیله، فصل دفاع از نفس. مسأله شماره ده.
- ۲۷_ Cade. Penal.
- ۲۸_ Rassat.Ibid.P۴۰۰.
- ۲۹- امام خمینی، تحریر الوسیله، فصل دفاع از نفس، جلد یکم، مسأله دوم.

۳۰_ Nouveau code Penal Francais.p.۱۱۹.Ayt.۱۲۲.